

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر- تورنتو

۰۱.۱۰.۰۹

ملای پاکستانی مردم افغانستان را توهین میکند

سایت انترنتی کابل پرس به تاریخ بیست و نهم ماه سپتامبر ۲۰۰۹ میلادی ، سخنان سخیف ، بی بنیاد و تحقیر آمیز ملا فضل الرحمن رهبر جمعیت علمای پاکستان و مرشد گروه متحجر طالبان را به نشر رسانید. وی در یک مناظره تلویزیونی در شبکه جهانی اردو زبان پاکستان چنین در فشانده است :

" افغانستان یک کشور بی آئین و فاقد ارزش های انسانی بوده در طول تاریخ در آنجا عشق و علاقه نسبت به جنگ و خونریزی بیشتر از هر چیز دیگر در وجود ساکنان آن موج میزده است . . . مردم افغانستان همیشه آرزوی این را داشته اند که دشمن خارجی به کشور شان حمله بَرَد تا به آنها ثابت کنند که این کشور بیشه شیران است . اگر دشمن متجاوز و اشغالگر پیدا نشده آنگاه مردم این کشور با خود جنگیده اند و میتوان گفت که جنگ داخلی و خونریزی در افغانستان چیز جدیدی نیست ، بلکه یک پدیده معمولی بوده و رسیدن به قدرت تنها و تنها از طریق اعمال زور و حذف کامل رقبای سیاسی ممکن بوده است . . . این خطه باستانی یعنی افغانستان فقط برای جنگ آفریده شده است . . . افغانها هیچگاه از طریق قانون و یا یک دستورالعمل سیاسی مشکلات خویش را حل نکرده اند . . . ما که در پاکستان زندگی میکنیم ، اینجا یک نظام سیاسی موجود است ، اینجا آئین موجود است ، ما در چوکات این آئین میتوانیم به اهداف خویش که بر قراری نظام اسلامی است ، برسیم . . . ما طالبان را در کارشان به خاطر اهداف شان هرگز مورد ملامتی قرار داده نمیتوانیم ، زیرا آنها طبیعت مردم خود را خود بهتر از دیگران درک کرده بودند . . . ولی ما هرگز در پاکستان به روش های طالبان متوسل شده نمیتوانیم "

بلی، خواننده های ارجمند!

اظهارات خصمانه ، بی خردانه و آکنده از مقاصد شوم سیاسی این ملای سیاسی دیو بندی را مرور کردید و حتما رگ جان تان به حیث افغان های آزاده ، نجیب، صلحجو و وطنپرست به اهتزاز درآمده از یکسو خشم تان علیه چنین عنصر اجنبی دروغگو و ریاکار را پنهان کرده نمیتوانید و از سوی دیگر، شدیداً متأثر خواهید شد که چرا و چگونه عقیق قیمتدار به دست ناپاک خرمهره شناسان بی مقدار روزگار افتیده است و چقدر مُلک و ملت ما از دست جنایتکاران نا جوانمرد، ویران و ناتوان شده که حال، حتا یک ملای سیه درون. بی دانش پاکستانی که جز جهالت

پروری و تروریست سازی و معامله گری کار دیگری نه دارد، بالای شرافت ملتی که قرن ها آزاد زیسته و یک لحظه هم با اسارت و اسارتگران نساخته ، چنین بیشرمانه میتازد.

ملتی را " فاقد ارزش های انسانی " خطاب کردن ، همان قدر که دور از انسانیت ، اخلاق و معنویت است ، به همان اندازه پلیدی و بی حیائی نیز می طلبد.

این ملای بی آرم دیوبندی آنقدر ریاکار و شعبده باز و فاقد معنویت است که علی رغم ادعا های ظاهر سازانه مذهبی اش ، غرض رسیدن به مدارج بلند دولتی (البته نه دینی و اخلاقی !) ، رسماً شریک جرایم سیاسی بی نظیر بوتو صدراعظم وقت پاکستان شد، نه تنها در پارلمان مرکزی جا خوش کرد که درکرسی رئیس کمیته امور خارجی ارگان مذکور نشست ، با سو استفاده از ملیونها ریال عربستان سعودی، دالر های امریکائی و پوند انگلیسی به تأسیس صد ها مدرسه ظاهراً علوم دینی پرداخت ، با آی اس آی یا سازمان جاسوسی ارتش پاکستان از در همکاری های سیاسی و استخباراتی پیش آمد، " تنظیم جمعیت علمای اسلام پاکستان " را به مثابه کانون توطئه های سیاسی در منطقه ایجاد کرد، هزاران عنصرنظامی آدمکش و تروریست حرفه ئی به نام " طالبان " را تولید نموده به سوی افغانستان گسیل نمود تا با وحشیگریهای قرون وسطائی شان دود از دماغ خلق الله بر آرند ، غرض تخریب مجسمه های یک و نیم هزار ساله بامیان برای مجریان سیه دل تراز خویش فتوا صادر کرد، اشغال شهر باستانی کابل توسط دهارة طالبان و فوج پاکستانی را به عنوان پیروزی ارتش آن کشور برای مردم پاکستان تبریک گفت و به منظور تقویت بیشتر دهارة طالبان و حمایت همه جانبه تر از آن ها، به سفر های دور و دراز به کشور های غربی و ممالک عربی پرداخت تا اداره وحشت زای آنها را در افغانستان ماندگارتر سازد و ده ها عمل نا روای دیگرکه به ضد منافع ملی مردم افغانستان تا کنون به گونه بیشرمانه انجام داده است . پس ، سخن چنین عنصر معلوم الحال باید که سخیف و دور از شأن انسان باشد.

فضل الرحمن مذکور ، کینه دل تر از جنرالان نظامی و پنجابی کشورش، مردم آزاده ، صلحجو و با همت افغانستان را " عاشقان خونریزی و دهشت " خطاب میکند و حتا پا را از آن هم فرا تر نهاده میگوید که " مردم افغانستان همیشه آرزوی این رداشته اند که دشمن خارجی به کشور شان حمله برد . . . " ، در حالیکه اگر این ملای بد عمل و بد زبان اندک عقل و خرد و یا اندک آگاهی از تاریخ شکوهمند سر زمین افغانستان میداشت ، میدانست که این ، قدرت های زورگو و متجاوز به شمول پاکستان بوده اند که همیشه آرزوی تجاوز و خونریزی در افغانستان را داشته ودارند وبالمقابل، این، ملت شهیر ، آزاده و سرفرازما بوده که همیشه و پیوسته باستواری تمام و بر خوردار ی کامل از ارزش های والای انسانی به خاطر حفظ استقلال و هویت سیاسی اش و به منظور طرد و دفع متجاوزین مسلح بی آرم ، قربانی های بیدریغانه داده اند تا ننگ اسارت و بی غیرتی را با خود حمل نکرده باشند. البته در تحت چنین حالت و چنین اوضاع و احوال خاص ضد تجاوز بوده که مردم ما عملاً ثابت کرده اند که کشور شان بیشه شیران بوده است . آیا این ملای کودن اطلاع نه دارد که اقبال لاهوری سالها پیش از ایجاد پاکستان توسط انگریزها ، با افتخار چنین سروده بود :

آسیا یک پیکر آب و گل است ملت افغان درآن پیکر دل است

ملا فضل الرحمن پاکستانی ، این مرشد دجالان عصر میگوید : " اگر دشمن متجاوز و اشغالگر پیدا نشده ، آنگاه مردم این کشور {افغانستان} با خود جنگیده اند . . . " هرگاه وی از فیض خرد برخوردار می بود، واقعیت های تاریخی سر زمین افغان را میدانست و می پذیرفت که اگر گهگاهی جنگهای داخلی هم به وقوع پیوسته ، باز دست کثیف و

غرض آلود اجانب، به خصوص دست غرض و مرض همسایه ها در آن دخیل بوده است ، در غیر آن، مردم نجیب افغانستان خوشبختانه اینقدر شعور، درایت و بصیرت لازم داشته و دارند تا در چهارچوب حقوق ملی و جغرافیائی خودشان صمیمانه و برادرانه زیست نمایند، چنانکه طی سده ها چنین کرده اند. برای این به اصطلاح رهبر جمعیت علمای پاکستان هنوز هم دیر نشده هرگاه باری به خود زحمت داده تاریخ این خطه نامدار را ورق بزند و یا لافل جریان همین دو، سه دهه اخیر را دقیقاً بررسی نماید . جهانیان، به خصوص همه پاکستانی ها شاهد اند که اگر مردم شجاع، با غیرت و آزادی دوست افغانستان در برابر ابر قدرت روس بیهراس نه می رزمیدند و از پاره های تن شیرین شان سدی تشکیل نه میدادند، اکنون نه تنها لشکر تا به دندان مسلح روس ایالات سند و پنجاب و پشاور و بلوچستان را لگد مال میکردند، بلکه هیچ مدرسه و تنظیم و جمعیت علماء و رهبران پرباد آنان و هیچ " آئین " و " ارزش انسانی " در پاکستان باقی نمی ماند.

امروز هم اگر همین دلالات سیاسی – مذهبی و شرارت پیشگان نظامی و استخباراتی همسایه ها و تمویل کننده های خارجی شان بگذارند و دست از سر مردم ما بردارند، خواهند دید که باشند های اصیل افغانستان چگونه صاحب آئین و قانون و ارزش های انسانی و همه گونه فراست دینی و سیاسی و فرهنگی میباشند.

باز این ملای بی علم اظهار میدارد که " افغانها هیچگاه از طریق قانون و یا یک دستورالعمل سیاسی مشکلات خویش را حل نکرده اند. . . "

باید از وی بپرسیم که قبل از ولادت جناب تان و حتا پیش از آنکه شما و پدران تان در نتیجه برنامه های انگریزان صاحب وطنی به نام " پاکستان " شوید، در افغانستان کهن، دین ، آئین ، قانون و نظام دولتی وجود داشته و ارزشهای انسانی تلاعلو میکردند است.

ملا فضل الرحمن مرشد دهارة طالبان باید بداند و بپذیرد که وقتی وطن جدید شان (پاکستان) که پس از قطع پیکر هند و افغانستان توسط انگلیس ها در سال ۱۹۴۹ میلادی ، یعنی تنها شصت سال قبل از امروز به میان آورده شد، هرگاه تا چند سال پس از آن نماینده های استعمار هند برتانوی در شهر کراچی در کنار علی جناح و سایر رهبران شان حضور نمیداشتند و شیوه های دولت مداری را برای آنها نمی آموختند و باز، هرگاه ایالات متحده با مشوره انگلیسها پاکستان را از نظر فکری تدریس، از نظر مالی تمویل و از ناحیه نظامی تجهیز نمیکرد ، ممکن نبود امروز این چنین گستاخانه و تحقیر آمیز بر ملتی بتازند که تاریخ ، تمدن ، فرهنگ و هویت چندین هزار ساله دارد. باز، هرگاه رهبران ، جنرالان و ملا فضل الرحمن های پاکستان در زیر پر و بال همان حامیان و اربابان خارجی شان نفس نمی کشیدند، امروز مشکل بود نشانی از " جمعیت علماء " آن کشور و آنهمه رتق و فتق اتمی و ارتجاعی و ضد مردمی شان به چشم بخورد.

پدر فکری و سیاسی طالبان می افزاید : " ما طالبان را در کار شان به خاطر اهداف شان هرگز مورد ملامتی قرار داده نمیتوانیم ، زیرا آنها طبیعت مردم خود را خود بهتر از دیگران درک کرده بودند، ولی ما هرگز در پاکستان به روش های طالبان متوسل شده نمیتوانیم . . . "

اکنون شما خواننده های عزیز، بهتر از قبل به عمق طینت بد، اهداف شوم سیاسی و سخنان تحقیرآمیز ملا فضل الرحمن به ضد مردم زجر دیده ، جفا کشیده و محروم نگهداشته شده ما پی برده به تناقض گوئی وی نفرین می فرستید. بلی ! از یکطرف طالبان را به خاطر کار شان ، یعنی جهالت پروری و تمدن ستیزی و مردم کشی و ستمگری های شان هرگز نمیتواند ملامت کند، چون گویا طبیعت مردم افغانستان را بهتر از دیگران درک میکردند و از جانب دیگر، به روش های طالبان متوسل شده نمیتواند . . .

معنی اصلی اظهارات ملای مذکور اینست که چون "مردم افغانستان وحشی و خونریز و بی آئین و فاقد ارزشهای انسانی اند"، بنابراین، مستحق مجازات های طالبی هستند و اما چون در پاکستان آئین ، نظام سیاسی ، ارزشهای انسانی و امثالهم موجود است ، لهذا به روش های طالبان در این کشور متوسل شده نمیتواند. یعنی تولیدات ناباب ، خشن، ننگین و قرون وسطائی مدارس دینی و مذهبی پاکستان همانند " پین پودر"، " پوقانه"، " دواهای قلبی" و . . . صرفاً به درد مردم " بی آئین و ... " افغانستان میخورد و بس.

به هر حال، جلوه های طاووسی ، یاوه سرائی ها و تحقیر های عناصر سیاسی ، نظامی و مذهبی تازه به دوران رسیدگان پاکستانی، یقیناً که ناشی از نا بخردی های ذاتی ، نوکیسه بودن و کم ظرفی های آنها ست . سرزمین کهنسال افغانستان در درازنای تاریخ پُراز فرود و فرازش، طوفان های زیادی به خود دیده ، ولی از میان هر طوفان زنده و سلامت سر بلند نموده است و مسلماً از میان طوفان های امروزی نیز زنده و آزاد و سر فراز سر بدر خواهد آورد، ولی دیده شود که تازه به دوران رسیده های بی بنیاد، با سلاح اتمی ، مدارس دینی و تروریست پروری های جنایتکارانه شان در کجای زمان قرار خواهند گرفت؟!

پای بر دیده ما گرچه نهادی به خیال با خبر شو که قدم بر سر دریا زده ای !

(پایان)